

چکیده

تعلیم و تربیت نیاز ضروری بشر است به گونه ای که انسان در طول حیات خود، پیوسته بدان نیازمند است. به نظر می آید تربیت انسان های مهنذب و هم جهت و هماهنگ با معیارهای اسلام یکی از اهداف و وظایف اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می گردد. نهادهای آموزشی از آنجایی که ارتباط نزدیک، زنده و متدوام و منظمی با مخاطبان خود دارند و همچنین خیل عظیمی از کودکان، نوجوانان و جوانان را دربرمی گیرند، در نتیجه جایگاه مهمی در تعلیم و تربیت اسلامی افراد دارند یکی از این نهادهای بسیار مهم و تاثیر گذار که مسئولیت اهتمام به امر تعلیم و تربیت اسلامی آحاد مردم را عهده دار می باشد، آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش زمینه ساز رشد فکری و اخلاقی انسان ها در یک جامعه پویا است. از آنجا که در این پژوهش، اطلاعات و داده ها از طریق مطالعه و خواندن مواد چاپ شده از قبیل کتب و اسناد و مدارک و مقالات موجود در کتابخانه ها، وب سایت های علمی پژوهش و ... جمع آوری گردیده، روش انجام تحقیق کار پشت میزی یا کتابخانه ای و به صورت کیفی می باشد. از سوی دیگر چون تجزیه و تحلیل اطلاعات در اشکال مختلف غیر کمی یا غیر مقداری هستند و مداخله کنترلی از سوی محقق اعمال نخواهد شد، مدل تحلیل این پژوهش، تحلیلی است و ضمن بیان مفهوم شناسی تعلیم و تربیت و تعلیم و تربیت اسلامی و ویژگی ها و اهداف و اهمیت آن سعی دارد راه هایی را به منظور پیاده سازی تعلیم و تربیت اسلامی در نهاد آموزش و پرورش پیشنهاد کند.

واژگان کلیدی

تعلیم و تربیت - آموزش و پرورش - تربیت اسلامی

مقدمه

در این مقاله راهکارهای برای پیشرفت و تولید علم ارائه شده و نقش تعلیم و تربیت به عنوان عامل رشد و تحول اساسی مورد بررسی قرار گرفته است.

آدم پروردگار عالمیان اتصالی در اسلام «تفکر» زندگی دل و حیات قلب معرفی شده است. زیرا انسانیت انسان و ادراک او از عالم و که با حق برقرار میکند به نحوه ی تفکر اوست. با تفکر قوای درونی انسان شکوفا میشود و زمینه ی حرکت کمالی او فراهم می گردد لذا به همراه علم آموزی و تفکر تربیت یا پرورش اخلاقی و تهذیب نفس نیز مطرح میشود که در اسلام بر این امر بسیار تاکید شده و از همان ظهور اسلام مبادی و مبانی تعلیم و تربیت به عنوان يك علم بنا نهاده شده است

تعلیم و تربیت نه تنها میتواند در رشد اخلاقی، عقلانی، رفتاری و حتی جسمانی فرد موثر باشد بلکه وسیله ای در جهت رفع نیازهای حقیقی و مصالح اجتماعی، به شمار می آید، و عامل رشد و تحول اساسی جامعه میگردد و مسلمانان که در ابتدا به این ضرورت پی برده بودند توانستند در مدت کوتاهی گوی سبقت در زمینه ی تولید علم از تمدن های مطرح آن روز بریابند و به دلیل مشکلات و حوادثی که در تاریخ مسلمانان به وقوع پیوست این حرکت سریع آنها را به شدت کند

نمود به طوری که تا این قرن مسلمانان جهان در کشورهای مختلف نتوانستند مجددا عرض اندام نمایند و امروز وقت آن رسیده که عوامل محدود کننده و موانع پیشرفت بررسی شود و با دلسوزی و دور از نفع طلبیهای فردی راهکارهای موثر ارائه و جامعه ی عمل استقلال فکری- فکر دینی- توسعه ی آموزشی- پوشیده شود. که در این مقاله بعضی از این راهکارهای ارائه شده است که عبارتند از رفاه مادی و معنوی- تبادل اندیشه و آزادی خرد ورزی که با توجه به اهمیت موارد در قسمت راهکارها و نتیجه آورده شده اند

اهمیت موضوع تحقیق

همانطور که در مقدمه مقاله حاضر بدان اشاره شد، در آغاز هزاره جدید چالشهای عمیقی فراروی جامعه جهانی وجود دارد. موارد متعددی چون انزوا و گوشهگیری جوانان از جامعه، افزایش میزان جنایات خشونتبار جوانان و نوجوانان، تخریب محیط زیست و درگیریهای متعدد محلی و بینالمللی از جمله این مسائل میباشند. به علت پیچیدگیهای موجود در جهان معاصر و گسترش وسایل ارتباط جمعی، بسیاری از کودکان خشونت را از طریق رسانهها فرا میگیرند. همچنین ظهور اینترنت و بازیهای رایانههای خشونت را بیش از پیش ترویج دادهاند، به نحوی که به تدریج خشونت جزیی از فرهنگ شده و در قالب رفتارهای عادی و روزمره نوجوانان و جوانان متبلور می شود، پدیده های که از آن تحت عنوان «طبیعی سازی خشونت نام برده میشود

مقررات آموزشی بدون مشارکت دانش‌آموزان تدوین و اجرا میشود یا برنامه درسی مدارس به صورت زمانبندی شده، فقط»
بر اساس نظرات بزرگسالان و بدون کمترین توجه به نیازهای

اهداف تحقیق .

اهمیت و ضرورت آموزش و آماده سازی کودکان و نوجوانان برای صلح، حوزه مطالعاتی جدیدی را تحت عنوان «آموزش اسلامی به وجود آورده است. «آموزش اسلامی» رشته جوانی است که درصدد خلق فرصتهای لازم برای ایجاد جامعهای مبتنی بر عدالت و زیست مسالمت آمیز است.

اهداف اصلی:

بررسی میزان توجه به «آموزش اسلامی» در برنامه درسی -

«ارائه پیشنهادهایی برای بهبود بخشیدن وضعیت برنامه درسی آموزش اسلامی

اهداف فرعی:

شناسایی مفاهیم اساسی «آموزش اسلامی» -

بررسی میزان توجه به «آموزش» در مرحله طراحی برنامه درسی. - ۳ بررسی میزان توجه به «آموزش اسلامی

.

متغیرهای تحقیق

«مفهوم «آموزش اسلامی»

الف- تعریف نظری

گسترش دانشها، مهارتها، ترویج عقاید و دیدگاهها که با ضوابط و هنجارهای موجود در تعلیم و تربیت آغاز میشود، توجه ما را به سوی تجسم یک جهان صلح آمیز و انسانی معطوف میکند

روش تحقیق.

از آنجا که در این پژوهش، اطلاعات و داده ها از طریق مطالعه و خواندن مواد چاپ شده از قبیل کتب و اسناد و مدارک و مقالات موجود در کتابخانه ها، وب سایتهای علمی پژوهش و ... جمع آوری گردیده، روش انجام تحقیق کار پشت میزی یا کتابخانه ای و به صورت کیفی می باشد

بحث و تحلیل

نظام تربیتی اسلام بر تفکر صحیح استوار است و مقصد آن است که تربیت شدگان این نظام اهل تفکر صحیح باشند و پیوسته ببیندند؛ چنانکه آن نمونه‌ی اعلائی که همه جهت‌گیری‌های تربیتی باید به سوی او باشد این گونه عمل میکرد از امام مجتبی (ع) از هند این آبی‌هاله تمیمی آمده‌است: «رسول خدا همواره تفکر میکرد». بنابراین سیر تربیت باید به صورتی باشد که مترقی به تفکر صحیح راه یابد و اندیشیدن درست شاکله‌ی او شود تا زندگی حقیقی به او رخ نماید. زیرا نیروهای باطنی انسان و حیات حقیقی او با تفکر فعال میشود و با گشودن دریچه تفکر درهای حکمت و راهیابی به حقیقت بر او گشوده میشود. از این رو در اسلام تفکر، زندگی دل و حیات قلب معرفی شده است. زیرا انسانیت انسان و ادراک او از عالم و آدم و پروردگار عالمیان و اتصال که با حق برقرار میکند به نحو با تفکر قوای درونی انسان شکوفا می‌شود و زمینه‌ی حرکت کمالی او فراهم میشود. امام خمینی میفرماید: «تفکر. تفکر اوست مفتاح ابواب معارف و کلید خزائن کمالات و علوم است. و مقدمه‌ی لازمه حتمیه‌ی سلوک انسانیت است». از نظر علامه طباطبائی: «زندگی انسان یک زندگی فکری است و جز با ادراک که فکر می‌نامیم قوام نمی‌یابد و از لوازم بنای زندگی بر فکر این است که هرچه پایبند باشیم و در هر راه رفته شده و یا ابتدائی که قدم برداریم، زندگی پابرجا مربوط به فکر صحیح و قیم و مبتنی به آن است و به هر اندازه که فکر صحیح باشد و از آن بهره گرفته شود، زندگی هم اقوام و استقامت خواهد داشت. تفکر تجزیه و تحلیل معلوماتی است که ذهن اندوخته است. تفکر سیر در فراورده‌هایی است که ابتدائاً برای ذهن پیدا شده است. اهل منطق فکر را چنین تعریف میکنند: فکر عبارت است از اجرای عملیات عقلی در معلومات موجود برای رسیدن به مطلوب و مطلوب همان علم به مجهول غائب است. انسان هیچ وقت خالی و فارغ از تفکر نیست، و از همین روست که میگوئیم تفکر فطری انسان است و قرآن انسان را به روش فطری صحیح تفکری میخواند و سبک خود قرآن و سیره‌ی معصومین چنین است. در انسان گرایش فطری به حقیقت جوئی و کشف و اکتشافها- آن سان که هستند- و درک حقایق اشیا وجود دارد. یعنی انسان می‌خواهد جهان را و هستی اشیا را آنچنان که هستند دریابد، دعایی از حضرت محمد روایت شده است که پروردگارا موجودات را آنچنان که هستند به ما بنمایان انسان به ذات خود در پی آن است که حقایق جهان را درک کند و به راز هستی دست یابد. رفتن انسان در پی حکمت و فلسفه تلاشی است در جهت پاسخگوئی به حقیقت جوئی آدمی. براساس همین میل و گرایش است که نفس دانائی و آگاهی برای انسان مطلوب و لذت بخش است. انسان به فطرت خود از جهل بی‌زار است و دوستدار دانائی و بینائی است. البته با وجود آنکه حقیقت جوئی امری فطری است اما در تمام انسانها به یک میزان نیست و در نتیجه تأثیر برخی عوامل درونی مانند نفس پرستی و خودخواهی و صفات منفی موروثی و اکتسابی و برخی عوامل بیرونی مانند القانات منفی گوناگون از طرف محیط و اجتماع، شدت و اصالت خود را از دست میدهد و در بعضی انسانها به حداقل می‌رسد.

ضرورت تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت صحیح میتواند فرد را به اوج ارزشها برساند و یا اینکه وی را به سقوط بکشاند و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد، در حالی که هیچ نمی‌دانستید و برای شما گوش و دیدگان و دلها قرار داد تا «شکرگزار باشید از این رو مکتب اسلام برای تربیت در تمام مراحل و مقاطع زندگی دستورهای ویژه‌ی داده استبییند و برای مراحل تعلیم و تربیت از آغاز زندگی بشر بر فراز کره‌ی خاکی و تصرف او در طبیعت و . عالی تر زندگی انسانی آماده شود و پرورش یابد تأثیر وی در جامعه وجود داشته است و همواره شناسایی نیازهای مادی و معنوی انسان و روش ارضای آنها از طریق تعلیم و تربیت به دست می‌آمده و به نسل بعد منتقل شده است، تا رفته رفته دامنه‌ی این شناخت به رشد و تکنولوژی امروز رسیده است. تعلیم و تربیت (اعم از رسمی و غیر رسمی، عمدی و غیر عمدی) نه تنها میتواند در رشد اخلاقی، عقلانی، رفتاری حتی جسمانی فرد موثر باشد بلکه وسیله‌ی است در جهت رفع نیازهای حقیقی و مصالح اجتماعی به شمار می‌آید، یعنی نقش تعلیم نه تنها در عینیت بخشیدن به زندگی مادی و معنوی فرد متوقف و محدود نمیشود، بلکه تمام شئون اجتماعی او را دربر میگیرد و عامل رشد و تحول اساسی جامعه میگردد.

لذا مشخصه‌ی جامعه‌ی سالم و رشد یافته، تنها داشتن موقعیت جغرافیایی خوب و معادن متنوع و منابع مالی نیست بلکه نظام تعلیم و تربیت زنده و مترقی است که انسانهایی آزاده و مستقل، خلاق، مبتکر و تلاشگر میسازد تا جامعه را در زمینه‌های علوم، صنایع، اقتصاد، سیاست و غیره از عقب ماندگی نجات دهند، زیرا همه‌ی اصلاحات و فعالیتها، به وسیله اندیشه و تلاش انسان انجام میگیرد ابوحماد محمد غزالی گفته است: اگر علما و معلمان نبودند مردم همچون بهایم و چهارپایان زیست میکردند، یعنی مردم در سایه‌ی تعلیم از مرحله‌ی حیوانی به مقان انسانی ارتقاء مییابند

پس سعادت و تکامل انسان، نیازمند تلاش و توجه و حرکت است، و اگر او را رها کنند و به خود واگذارند، انحطاطش شروع میشود.

یکی از عوامل دیگری که ضرورت تعلیم و تربیت را شدت می‌بخشد، و از آن ویژگی تأثیر پذیری انسان و سرایت عقاید و عادات و به طور کلی فرهنگ یک جامعه به معاصران و نسلهای آینده است. براین اساس تأثیر تعلیم و تربیت، مثبت یا منفی در انسان جنبه‌ی

تصاعدی می یابد و علاوه بر خانواده و فامیل میتواند جامعه ای را در عصری تحت تأثیر قرار دهد و در طول قرن‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل شود یا تمدنی را ایجاد کند و یا از بین ببرد. در زندگی معاصر دلایل فراوانی موجب شده است که تعلیم و تربیت اهمیت دگرگونی‌های علم و صنعت و گسترش و رشد تمدن و نیاز به تخصص و مهارت‌ها و توانایی‌های جدید برای بیشتری پیدا کند از جمله صنعتی شدن زندگی بشر و تغییر شیوه‌ی زندگی داشتن روابط اجتماعی صحیح و توان رقابت و موفقیت در کار و مدیریت اجتماعی تهدید از سنتی به مدرن و لزوم یادگیری این شیوه از زندگی نحوه‌ی استفاده از تولیدات جدید و نتایج حاصله از علوم تجربی سرنوشت بشر به وسیله‌ی بحرانهای روحی، ضایعات اخلاقی تبلیغات گمراه کننده و نابسامانی‌های زجر دهنده تمدن جدید انسانی و افزایش دائمی و مستمر آنها با توجه به انعکاس سریع حوادث و ارتباطات جهانی و تبدیل شدن جهان به دهکده‌ی جهانی نارسایی‌های مکتب‌های تربیتی موجود در حل بحرانها و نابسامانی‌های اسفبار انسانها زیرا که دانشمندان و فیلسوفان تربیتی امروز با تکیه بر علم تجربی و علم مداری و اندیشه‌های الحادی از رهنمودهای منابع آسمانی و وحی الهی محروم شده اند و نظام تربیتی با خلای موهوم روبرو شده است. لذا مکتب تربیتی مبتنی بر علم و وحی و جامع و فراگیر برای نجات جامعه بشری ضرورت پیدا میکند. تعلیم و تربیت در ایران باستان

تمدن ایرانی تاریخی بسیار طولانی دارد و چنانکه از تحقیقات باستان‌شناسان و مورخان بر میآید

قریب به پنج هزار سال پیش از میلاد اقوامی در فلات ایران زندگی میکردند که از تمدن و فرهنگ نسبتاً پیشرفت‌های بهره مند بودند. اقوام آریایی نیز در حدود دو هزار و پانصد سال تا یازده قرن پیش از میلاد به این سرزمین کوچ کردند و تمدنی را بنیاد نهادند که به تمدن آریایی معروف است. برای پی بردن به هدفها و تشکیلات و روشهای آموزش و پرورش در ایران باستان در حقیقت باید علاوه بر عقاید دینی به وضع اجتماعی و سیاسی این دوران نیز توجه داشت به علاوه باید نهاد تربیتی در را در دوره‌های مختلف مانند دوره‌ی هخامنشی، اشکانی و ساسانی به طور جداگانه مطالعه کرد. که پرداختن به همه‌ی این جزئیات، مجال و امکان نیست لذا مختصری درباره‌ی هدفها و سازمان و روشهای آموزش و پرورش بسنده میکنیم

اگر دین ایرانیان باستان را دین زرتشت بدانیم و آئینهای دیگری را نیز که تا نفوذ اسلام در ایران به وجود آمده متأثر از دین زرتشت بشماریم، میتوانیم بگویم در همه‌ی این دوره‌ها نخستین آموزشگاه پس از خانواده آتشکده‌ها بود و پیشوایان دینی پس از پدر مادر نخستین آموزگاران به شمار می آمدند و مهمترین برنامه نیز آموزشهای دینی بود. در دین زرتشت، را پیروزی اندیشه‌ی نیک، گفتار نیک و کردار نیک است که سه اصل مهم این دین به شمار می آید. به این ترتیب هدف اصلی آموزش و پرورش آماده کردن کودکان و جوانان برای اجرای اصول سه گانه‌ی مذکور است. هدف دیگر آموزش و پرورش انجام وظیفه در خانه و کشور است

تربیت در ایران باستان به سه منظور بوده است

خدمت به اجتماع

خدمت به خانواده و رفع مسئولیت از پدر و مادر

بهبودی حال و برتری بر دیگران

بنابراین میتوان گفت که هدف اساسی همان تربیت دینی و اخلاقی است که به صورت انجام دادن وظایف خانوادگی و اجتماعی و پیشرفت شخصی تحقق می یابد. سازمان آموزش و پرورش در طی چندین هزار سال به یک حال نبوده است پس نمیتوان گفت که سازمان واحدی در این دوره وجود داشته است اما خانواده و آتشکده و آموزشگاههای دربار مراکز مهم تعلیم و تربیت در این دوره به شمار می آمده اند. در دوره‌ی ساسانی دانشگاههایی نظیر جندی شاپور نیز بر این تاسیس شد کتب علمی و ادبی را که از هند و یونان آورده بودند به پهلوی ترجمه کردند و پزشکانی را از یونان برای تدریس در این دانشگاه به کار گماشتند. این دانشگاه تا اواخر قرن کودک تا پنج سالگی در خانواده و در میان زنان سوم هجری وجود داشت و یکی از مراکز بزرگ علمی و فرهنگی آن روزگار بود تربیت میشد و آموزش دینی و علوم و فنون در سن هفت تا پانزده سالگی که آن سن را تمیز عقلی می نامیدند انجام میگرفت. روش عمده آموزش و پرورش، شفاهی و حفظی و تلقینی بود و گاه نیز مطلوب نادرستی را به کودکان تلقین میکردند. به طور مثال به اطفال تلقین میشد که شاه به خواست خدا و موهبتی الهی بر تخت سلطنت نشسته و نماینده‌ی او بر روی زمین است و برحسب اراده‌ی او امور کشوری را سامان میدهد. بنابراین همگی باید چشم بر حکم و گوش بر فرمان او نهند و او را تا حد پرستش دوست بدارند. آموزش و پرورش که شمه‌ای از آن را بیان کردیم بیشک دارای محاسنی بود که از مهمترین آنها می توان ایجاد روحیه گذشت و سعه صدر و علاقه به علوم و فنون را نام برد و این دو جنبه سبب شد که مردم این سرزمین در دوره‌هایی از تاریخ، امپراطوری بزرگی را ایجاد و ارائه کنند و در پیشبرد دانش و هنر سهیم باشند. اما از سوی دیگر نظام تربیتی ایران باستان به ویژه در سالهای پیش از ظهور دین اسلام دارای عیب‌هایی بود که مهم تر از همه طبقاتی بودن آموزش و پرورش و ایجاد روح فرمانبرداری از قدرتمندان و پیروی کورکورانه از حاکمان را میتوان ذکر کرد. این نوع تعلیم و تربیت همراه با ستمگریها و تندرویهای حاکمان دوره‌ی ساسانی، به سقوط این سلسله منجر شد و ایرانیان را برای پذیرش دین جدید آماده ساخت

تعلیم و تربیت در اسلام

تعلیم و تربیت اسلامی با نزول قرآن تولد یافت و پیامبر اسلام (ص) که پروردگار او را به نیکی تربیت کرده بود، معلم و مربی آن شد. توالی این دو رویداد میمون و مبارک پرده از یک راز بر میدارد و آن اهمیت بسیار بالا یا کلیدی بودن دو عنصر برنامه و معلم در مجموعه نظام تربیتی اسلامی است. این سخن هرگز به معنی سبک انگاشتن دیگر عناصر نیست بلکه دقیقاً تأکید بر این نکته است که معلم، نقش برگشت ناپذیر و غیر قابل انکاری در چرخه ی این دو یعنی برنامه و معلم در حکم عود استوار این خیمه ی بلندند آموزش ایفا می کند، معلم کانونی است که چرخه ی آموزشی معلم مقام رفیع ارزشمندی را به خود اختصاص داده است. از این رو در روایات و مستندات دینی ما، بر نقش معلم و جایگاه وی به طور جدی تأکید شده و کار او را همانند نقش پیامبران و مصلحان الهی شمرده اند. مسلمانان بحثهای جستجوگرانه ی خود را از قرآن که اولین و مهمترین سند مدون تعلیم و تربیت است آغاز کرده اند و همین منبع بود که دروازه های علوم و دانش را در معنی عام کلمه، که اعم از علوم شرعی و مذهبی و نیز دستاوردهای مادی و تجربی است به روی آنان گشود. مقصود آن است که مسلمانان با الهام از قرآن و به ویژه اولین آیات وحی، در زمینه ی علوم و معارف بشری به یک بینش یا دیدگاه کاملاً تازه و بی سابقه رسیدند و آن مسأله اتحاد یا وحدت در علوم بود. در این بینش، علوم و دانش های مختلف همه از یک منبع، که همان فیض بخشی خواست الهی است سرچشمه می گیرند؛ بنابراین نه تنها با یکدیگر در تضاد نیستند بلکه همانند هم هستند بدین سان برنامه و محتوای آموزش اسلامی متأثر از این دو عنصر یا دو مقوله از شناخت بوده و شواهد تاریخی، حداقل در قرون اولیه به خوبی موید آن است. اما برخی از ضرورتهای زمانی و مکانی و همچنین زیربنایی بودن مسائل دینی موجب شد تا این دانش در اولویت قرار گیرد و توجه بیشتری به آن مبذول شود. و بعد از آن علم حدیث و تفسیر و فقه اضافه شد و آن گاه نوبت به علوم ادبی رسید و آموزش و تدریس علوم اکتسابی اعم از نظری و تجربی به تأخیر وارد برنامه ی درسی و نظامی تربیتی اسلام شدند. و از جمله این علوم که در اوایل ظهور اسلام به برنامه ی درسی افزوده شده است تاریخ، روانشناسی، جامعه شناسی، اخلاق، زبان شناسی، جغرافی، منطق و جز آنها را باید نام برد. همچنین تعلیم و تربیت که نخست درسهایی همچون فلسفه، اخلاق، روانشناسی و شاید منطق مورد بحث و دقت نظر قرار می گرفت و به تدریج در راه دستیابی به هویت مستقل خود گام برداشت. در بحث علوم طبیعی و تجربی به عنوان جزئی از مواد درسی، ما برآنیم که به احتمال قوی دانش شیمی زودتر از دیگر دروس وارد برنامه ی آموزشی شده و آن هم در ارتباط با حوزه ی درسی امام صادق(ع) در مدینه بوده است. پس از شیمی به تدریج دانشهای دیگری همچون ریاضیات، نجوم، فیزیک، و پزشکی در عرصه ی برنامه های آموزشی درخشیدند و نوابغ و اندیشمندان بزرگی را به سوی خود فرا خواندند. محمدبن موسی خوارزمی، محمدبن زکریای رازی، ابوعلی سینا، حسن بن هیثم، ابوریحان بیرونی، عمر خیام، بهاء الدین عاملی و دهها نام دیگر که نه تنها تاریخ علم، که جامعه ی انسانی و مدار آنهاست. از آن جمله اند. پیشرفت سریع مسلمانان در زمینه ی این علوم به یک معجزه شباهت داشت. «تأثیر فرهنگ اسلامی در پیشرفت علوم ریاضی طب و شیمی شواهد بسیار دارد حتی در قرون سیزدهم ترجمه متون اسلامی و مشروح آنها در مدارس عامی آکسفورد، با شوق و علاقه دنبال می شد

به این ترتیب از اواخر قرن سوم تا نیمه ی قرن پنجم هجری تقریباً همه ی دانشمندان در همه ی شاخه های مختلف علوم، از فقه و تاریخ تا فزیک و شیمی و پزشکی مسلمان بودند به طوری که نتیجه ی کارهای آنان به دورترین نقاط دنیا نیز رسیده بود. اما متأسفانه این راه ادامه پیدا نکرد و پس از آن به دورانی از رکود و بی حرکتی می رسید که می توان آن را نقطه تنزل یا انحطاط تدریجی نامید هرچند از بیان مفصل علت‌های موثر در پیدایش این رکود و توقف در این مقاله معذوریم، ولی میتوانیم تک بعدی شدن برنامه ی آموزشی و تأکید انحصاری نهادهای آموزشی بر علوم مذهبی و تاسیس نظامیه ها و در رأس همه نظامیه بغداد، ضرورت پیروی انحصاری از مذهب اربعه و فتنه مغول در قرن و حوادث غم انگیز دیگری همچون دویست ساله صلیبی، برخوردهای نظامی بین دو دلت مقتدر به اصطلاح اسلامی یعنی صفویه و عثمانی، پایان حاکمیت اسلام در اندلس، نابودی بسیاری از تأسیسات فرهنگی و آموزشی در این سرزمین و آغاز توطئه های گوناگون استعمار را می توان نام برد.

نقش دانشگاه در تعلیم و تربیت

دانشگاه اسلامی محل تولید دانش است نه ترویج آن و این که ما فکر کنیم دانشگاه میانه خوبی با تولید دانش ندارد درست نیست. پس دانشگاه اولاً دانشگاهی علم گراست و ثانیاً پاسخگوی نیاز جامعه است و اگر فقط نوعی دانش اندوزی در آن باشد آن هم از نوع ترویجی، این دانشگاه را نمی توان اسلامی دانست. اما در مورد امکان آن باید اولاً این نکته را گوشزد کنیم که امروز در غرب هم این مسئله مطرح است. دانشگاههای غرب که مبتنی بر روش شناسی پوزیتیویستی و تجربه گرایی دارند این مسئله را به طور جدی دنبال میکنند که علوم تجربی هم بر یک مفروضات غیرتجربی و مبانی متافیزیکی اند. در حوزه ی علوم انسانی به دلیل ویژگی پدیددهی ای اجتماعی و معنادار بودن رفتار انسانی نقش مفروضات غیر تجربی و به عبارتی مفروضات هنجاری و ارزشی و تأثیرشان بر نتیجه و محصولات تلاشهای علمی حادثر میشود. در فلسفه تعلیم و تربیت یک بحث مطرح است به نام جهت علم یعنی باید‌ها و نیاید‌ها مسلماً هر علمی جهتی را دنبال میکند که می تواند بر فرآیند علمی آن تأثیر بگذارد. و غیایاتی که علم در راستای آنها باید حرکت کند از دید ما همه ی علوم چه حوزوی و چه دانشگاهی باید مقدمه ی معرفت الله باشد و ما آیات خدا را کشف کنیم و به چه چیزهای بالاتری پی ببریم. از این جهت میتوان نقش دانشگاه را مؤثر دانست چون در این مسئله اتفاق نظر است که باید‌ها و نیاید‌ها را باید از دین گرفت. پس به یک معنا حوزه باید دانشگاهی شود و به یک معنا باید اسلامی شود در خصوص آشنایی با فلسفه ی علم و علوم

اجتماعی و تحولاتی که امروزه در علم رخ داده است دانشگاهی شدن حوزه را از آن می فهمیم و در خصوص تهجر زدایی، اسلامی شدن حوزه، و این ایده‌های است که مطلوب است. زیرا با توجه به تحولاتی که در دنیا رخ داده است اکنون بحث رابطه دین و علم مطرح شده است یعنی فهمیده اند که جدائی علم از دین آنها را دچار بحران هویت کرده است البته دانشگاه هم آسیب های خاص خود را دارد. نمی گوئیم که دانشگاه تولید ندارد، بلکه تولید هم میکند منتها هنوز يك مشکل وجود دارد. ما بیش از اینکه مولد دانش باشیم ترویج دهنده ی آن هستیم؛ علت این امر چیست؟ برداشت این است که ما دانشگاهی آوردیم که مبتنی بر يك مبنای معرفتی خاص است به عبارتی ما در زمینی کشت کردیم که نمیروید و لذا باید در دانشگاه تغییر و تحول اساسی ایجاد کنیم. دانشگاه ما اولاً مستقل نیست، از همان روز اول دانشگاه بر مبنای وابستگی ایجاد شد چون رژیم شاه و مخصوصاً رضا شاه وابستگی را دنبال میکرد و وابستگی فکری در رأس آن بود و ایجاد دانشگاه یکی از ابزارهای اجرایی رژیم پهلوی در جهت وابستگی فکر و اندیشه بود ثانیاً فایده مند هم نبود. برای اینکه دانشگاههای ما به تغییر حضرت امام (ره) گرفتار ایسماهی هستند (به خصوص در علوم انسانی) بیگانه با آن چیزهایی که در جامعه می گذرد. ثالثاً مسئله تهذیب نفس مطرح است. البته تهذیب نفس فقط شامل دانشگاه نمی شود شامل حوزه هم میشود. در مورد تولید علم ما هم باید سهیم باشیم و همراه حرکت تولید علم در جهان شویم ولی اکنون ساز و کار موردنیاز برای دانشگاه خود بنیاد، دین پرور و دانشگاهی که بتواند سهیم باشد فراهم نیست، ما وقتی به دیگر کشورها می نگریم می بینیم که به قشر فرهیخته جامعه یعنی دانشگاهیان که قشر معدودی از جامعه هستند توجه فراوانی میشود و در ساختار قشر بندی اجتماعی اهمیت بسیار دارند و امکانات فراوانی نیز در اختیار دارند که هیچ کدام در اینجا در اختیار يك محقق ایرانی نیست. یعنی نه زمینه فرهنگی آن هست چون دانشگاه باید در بستر فرهنگی مناسب قرار بگیرد و نه به لحاظ ساختاری به آنچه در دنیا معمول است و می تواند میزان مشارکت و سهم ما را در فرایندهای علمی بالا ببرد توجه میشود در اینجا علاوه بر مسئله ی فرهنگی، معرفتی یا اجتماعی و غیره مسئله در نقش و جایگاهی است که يك عالم می بایست داشته باشد و آن مسئله ساختاری

برمیگردد. بنابراین در مرحله اول ما می خواهیم سعی داشته باشیم ولی این سهم ما شاید بر مبنای دیگری باشد همان طور که امروز ژاپن سهم دارد اما سهم خودش را پذیرش مبنای فرد گر ایانه دانشگاه غربی به دست نیاورده است. ما هم می توانیم سهیم باشیم با مفروض ها و مبانی دیگر. درباره ی علم دینی آنجا که بحث فلسفه ی تعلیم و تربیت و مبانی ماوراء الطبیعی مطرح میشود ما می توانیم رنگ و صیغه ی دینی به علم بدهیم. اما آیا این به معنای آن است که علم دینی صرفاً به مبانی ماوراء الطبیعی و فلسفه ی تعلیم و تربیت و جهات آن بسنده می کند؟ خیر؛ بخشی از علم دینی به انگیزه ی دانشمندان دینی برمیگردد. يك دانشمند بعد از این که يك رابطه را کشف کرد ، هم در استفاده از این رابطه و هم در اینکه يك رابطه ای را کشف کرد هم در استفاده از این رابطه و هم در اینکه این رابطه مقدمه ای برای چیز دیگر میباشد می تواند با دیگر دانشمندان متفاوت باشد. امروز دانشمندان روی بعد انگیزشی بحث میکنند و کسی هم منکر این نیست که بعد انگیزشی هم در انتخاب مسئله و هم در فرایند تحقیق و هم در نتیجه ی آن خیلی نقش دارد. بخشی از علم دینی به انگیزه ها، بخشی از آن به شفافیت بخشی به مبانی دینی برمیگردد که به عنوان مبانی متافیزیکی می تواند عمل کند و بخشی هم به فلسفه ی تعلیم و تربیت مربوط است. ولی آیا علم دینی صرفاً پرداختن به مبانی متافیزیکی است؟ خیر ما روش تجربی را دنبال میکنیم اما در بستر خاص خودش؛ هم به لحاظ معرفتی هم به لحاظ انگیزشی. مسلماً نگاه يك مسلمان و موحد به عالم متفاوت است و او نمی تواند هر طور که خواست با این عالم و با آیات خدا برخورد کند

راهکارهای تولید علم

امام خمینی(ره) رمز موفقیت را در استقلال فکری میداند ایشان می فرمایند: ما باید سالهای طولانی زحمت و مشقت :استقلال فکری بکشیم تا از فطرت ثانی خود متحول شویم و خود را بیابیم و روی پای خویش باشیم و مستقل گردیم و دیگر احتیاجی به شرق و غرب نداشته باشیم. و باید از همان بچه ها شروع کنیم و تنها مقصدمان تحول انسان غربی به انسان اسلامی باشد. اگر این مهم را انجام دادیم مطمئن باشید که هیچ قدرتی نمیتواند به ما ضربه بزند. اگر ما از نظر فکری مستقل باشیم آنها چگونه می توانند به ما ضربه بزنند. تنها آنها میتوانند از داخل خود ما به ما ضربه بزنند، در داخل فردی را درست کنند و بعد توسط آن هرچه میخواهند انجام ، دهند... یکی از علل عقب ماندگی کشورها(عقب مانده) همین بود که اصلاً فکر خودشان را نمی گذاشتند که اینها به راه بیندازند و تبلیغات طوری شده بود که می ترسیدند اصلاً وارد يك عملی بشوند... شما مگر چه چیزتان از سایر بشر کمتر است، بشر همه جا يك جنس است و يك نوع است و یکی است. اینجا اگر بهتر نباشد از آنها بدتر نیست، لکن نگذاشتند که این بهترها و این مغزهای متفکر به کار بیفتد، آن مغز متفکرهایی که از ایران فرار کردند، آنها بودند که تفکر ایشان را برای آنها داشتند، برای خارجی ها به کار می انداختند... و امیدوارم که مغزها را به کار بیندازید و آن خوف هایی را که ایجاد کرده بودند در کشور ما هم کنار بگذارید و با شجاعت وارد شوید و کار خودتان را انجام بدهید

فکر دینی و اسلامی کردن دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت همانطور که قبلاً متذکر شدیم میتواند در بهبود استقلال فکری :فکر دینی و در نتیجه تولید علم تاثیر بسزایی داشته باشد، انسانهایی بوده اند که همانند پیامبران به این طریق رفته اند و در هر دورهای از

تاریخ بروز و ظهور داشته‌اند و چراغ هدایت و رشد انسانها را در دست گرفته‌اند و راه روشن را به نسلها نمایانده‌اند. حضرت امام خمینی یکی از این مربیان و معلمان الهی بوده‌اند. تعلیمات امام خمینی(ره) با توجه به همه ابعاد حیات و گسترش و تابناکی اش يك تعلیمات الهی بود که تنها پیامبران و امامان و اولیای خدا پیموده بودند. اساس این تعلیمات دین بود، دینی که بر محور علم و عمل و دینی که حکم قانون را دارد و لازم الاجراست، دینی که سیاست دارد، فرهنگ دارد، تاریخ. براساس وحی الهی می‌چرخید دارد، مدنیت دارد، اقتصاد دارد، هنر دارد، مدیریت دارد، قضا دارد و از همه بالاتر ادبیات دارد، یعنی همه‌ی میدان‌ها و عرصه‌ها. هایش با عنصر زیبایی عجین است

توسعه آموزش: گسترش فضای آموزشی و تحقیقاتی در کشورهای توسعه یافته نشان از این امر دارد که پژوهش و تحقیق سنگ بنای حرکت علمی و فنی و شکوفایی صنعتی و تکنولوژیک آنها بوده و به همین دلیل، تحقیق و پژوهش يك عرصه اساسی برای بروز و ظهور استعدادهای درخشان محسوب می‌شود. این عرصه برای شناسایی نیروهای خلاق و با استعداد و نوپرداز بسیار حائز اهمیت است و به همین دلیل در هر گونه برنامه ریزی استفاده بهینه از امکانات موجود نباید از نقش منابع کارآمد و جوان نیروی انسانی غفلت کرد. کمبود پژوهشکده‌ها و دانشگاهها و مراکز آموزش عالی به نوبه‌ی خود در کاهش تعداد پژوهشگران نقش اساسی دارد. گشایش مراکز جدید و مدرن برای جذب جوانان جهت شناسایی و کشف استعدادهای جوان و درخشنده، باید در اولویت قرار گیرد. تحقیقات نشان داده است چنانچه جوانان به مطالعات و پژوهشهای خاصی از ابتدای مسیر شغلی خود بپردازند، پس از گذشت مدت زمان مشخصی، در آن رشته از مطالعات به تخصص دست می‌یابند و این همان راز پیشرفت و رشد مشهود دنیای غرب می‌باشد. دست به دست چرخاندن محققان و آواره ساختن آنها و نداشتن هیچ گونه برنامه‌ی پویا و مستمر برای ادامه تحقیقات و پژوهشهای آنان، موجب ایجاد گسستگی در رشته تحقیقات شده و به همین دلیل مطالعات و پژوهشها در ایران از رشد خوب و قابل ملاحظه‌ای برخوردار نمی‌باشد

فرهنگ دینی

انسان از لحظه‌ای که بر روی زمین خاکی پا نهاد مورد تعلیم و پرورش باریتعالی قرار گرفت حتی آن دمی که قابیل مستأصل و در مانده به دنبال راه حلی برای پنهان نمودن اولین جنایت نسل بشر بود مورد تعلیم قرار گرفت و توسط دو کلاغ آموخت که چگونه جسد برادر مقتول خویش را دفن نماید .

لذا باید ببینیم که تعلیم و تربیت دینی نشأت گرفته از روح الهی است و چون مبنای خداوندی دارد موفق ترین نوع تعلیم و تربیت است یکی از راه‌های جلب و جذب نوجوانان و جوانان به دینداری - رعایت اصول اخلاقی توسط اولیا و مربیان است چه بسا ، ما کودکان خود را به دینداری تشویق نموده و بر این اصرار ورزیم که بچه‌های متدین داشته باشیم اگر این موضوع در رفتار ما تجلی پیدا نکند مانند کفی است بر روی آب که هیچ ثمری ندارد و گاه نتیجه‌ای منفی نیز دارد چرا که وقتی قول و عمل یکسان نباشد ناخواسته آنها را به پنهان‌گری و امیداریم دختری که پدر و مادر و یا معلمین او اصرار دارند که حجاب اسلامی را رعایت کنند اگر کوچکترین ضعفی در این مورد از معلم خود یا مادرش ببیند این گمان در ذهنش متبلور می‌شود که ظاهر را حفظ کند حال در باطن هر طور که باشد مهم نیست .

نتیجه:

یکی از منابع تعیین کننده بایدها و نبایدها، هدفها و غایتهای آموزشی دین است و طبعاً چون جامعه ایران جامعه‌ای مذهبی و مسلمان است این اهداف را باید اسلام تعیین کند

« منابع و مأخذ »

۱) عبدالعظیم کریمی : کارکرد نظام آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت اجتماعی کودکان .

۲) علی میرزا بیگی : نقش نیازهای روانی در بهداشت روانی و آموزش و پرورش

۳ (دکتر علی قائمی : تربیت در نهج البلاغه

۴ (حسن ملکی : شناخت هدفهای اساسی تعلیم و تربیت

۵ (دکتر شریعتی .

امان الله قرایی مقدم، جامعه شناسی آموزش و پرورش، کتابخانه فروردین، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۴

امیل دورکیم، تربیت و جامعه شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، دانشگاه تهران، بهار ۱۳۷۶، ص ۵۵-۲

یعنی اموری که مورد علاقه طفل قرار می گیرد و جنبه آنیت دارد و طفل به اموری که مربوط به آینده می شود، توجهی ندارد و -۳
تنها به آنچه مربوط به حال حاضر است علاقه نشان می دهد

علی شریعتمداری، اصول تعلیم و تربیت، دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۶۹، ص ۲۸-۳۰-۴

جولیوس گولد و ویلیام کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ویراستار محمدجواد زاهدی مازندرانی، مازیار، ص ۲۸۷-۵

عبدالحسین نیک گهر، مبانی جامعه شناسی، رایزن، چ چهارم، ۱۳۷۳، ص ۱۴۰-۶

ویلیام اسکیدمور، تفکر نظری در جامعه شناسی، نشر سفیر، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۴۰-۷

علی علاقه بند، جامعه شناسی آموزش و پرورش، بعثت، چاپ سوم، اردیبهشت ۱۳۷۳، ص ۱۲۸-۸

ریمون آرون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، -۹
تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۶۴

علی علاقه بند، پیشین، ص ۱۲۹-۱۰

جورج رینزر، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات اعلمی، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۴، ص ۱۱-
۲۸۱-۲۸۲

و ۱۳- علی علاقه بند، پیشین، ص ۱۳۱-۱۲

و ۱۵- بروس کونن، مبانی جامعه شناسی، ترجمه فاضل توسلی، سمت، چاپ چهارم، ۱۳۷۴، ص ۱۲۱ / ص ۱۵۱-۱۴۱۵۳

و ۱۷- آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۴۱۵-۱۶

بروس کونن، پیشین، ص ۱۷۳-۱۷۴-۱۸